

رسانه‌های دیجیتال و حقوق کودک: «مسئولیت توزیع شده»

محمود مختاری^۱

چکیده

در این مقاله ضمن بررسی مبانی حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و حق کودک بر محافظت از آسیب رسانه‌های دیجیتال، با استفاده از مفهوم مسئولیت توزیع شده در کنش‌های شبکه‌ای و نیز رویکرد سیستم‌های فنی-اجتماعی، نشان داده می‌شود که «مسئولیت در قبال حق کودک بر محافظت از آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال»، بر عهده همه «کنش‌گران شبکه‌ای» در یک رسانه دیجیتال است که ارزیابی ایفای این مسئولیت نیز وابسته به کنش نتیجه و شرایط گیرنده کنش (کودک) خواهد بود. در نهایت نیز دستاورد این رویکرد را در توضیح چگونگی سازوکار کنترل برنامه‌های تلویزیونی نامناسب کودک توسط والدین با استفاده از سیستم رده‌بندی سنی و تراشه وی‌چیپ تلویزیون، و اهمیت جنبه‌های انسانی-اجتماعی، فرهنگی در هم‌تنیده در جنبه‌های فنی آن توضیح می‌دهیم.

واژگان کلیدی

رسانه‌های دیجیتال، حقوق کودک، مسئولیت توزیع شده.

۱- استادیار، گروه فلسفه علم و فناوری، پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی
تهران، تهران، ایران

مقدمه

امروزه «رسانه‌های دیجیتال»، بخش اعظم «فناوری‌های دیجیتال» و «فضای مجازی» را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع اگر فناوری‌های مرتبط با تراکنش مالی یا دارای رویکرد صرفاً اقتصادی را (با مسامحه) حامل پیام در نظر بگیریم و به‌نوعی آن‌ها را از دایره شمول «رسانه» خارج کنیم، به‌سختی می‌توانیم روی یک فناوری دیجیتال یا یک بخش از فضای مجازی، اعم از موتورهای جستجو، پیام‌رسان‌ها، بازی‌ها، شبکه‌های نمایش تلویزیونی، پخش‌کننده‌های فیلم و موسیقی و نیز انواع برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌ها) دست بگذاریم که در زمره رسانه‌های دیجیتال قرار نگیرد.

بدیهی است پیام یا آموزه تولیدکننده محتوا، همواره به‌صورت مستقیم و مصرح به مخاطب القا نمی‌شود و چه‌بسا به‌طور غیرمستقیم و ضمنی (خواه قصدمندانه خواه ناآگاهانه) از سوی تولیدکننده منتقل شود؛ بنابراین شاید بتوان گفت اصولاً مواجهه مخاطب با رسانه‌های دیجیتال، چیزی شبیه زندگی در اتمسفری است که تولیدکنندگان محتوا ایجاد می‌کنند و لاجرم منجر به تأثیرپذیری از آن‌ها می‌شود. این تأثیر البته فقط ناشی از محتوای پیام یا ویژگی‌های فناوری حامل پیام نیست بلکه حتی می‌تواند تأثیری ناشی از ویژگی‌های تولیدکننده و موجودهای دیگر حاوی پیام در فضای غیربرخط (و حتی فضای غیردیجیتال یا آنالوگ) نیز باشد. لوچانو فلوریدی، استاد اخلاق و فلسفه اطلاعات در دانشگاه آکسفورد، (Floridi, 2006) مفهوم وسیعی تحت عنوان «اینفوسفر»^۱ معرفی می‌کند که عبارت است از کل محیط حاوی اطلاعات یا پیام که توسط همه موجودهای حامل اطلاعات و پیام تشکیل شده است. این مفهوم، خود موجودها و افراد حامل پیام و نیز انواع ویژگی‌ها برهمکنش‌هایشان را نیز شامل می‌شود و بنابراین مفهومی متفاوت و جامع‌تر از فضای سایبر است؛ زیرا فضاهای غیربرخط (و حتی آنالوگ) حاوی اطلاعات را نیز دربرمی‌گیرد. به‌نظر می‌رسد مطابق این چشم‌انداز، فضای رسانه‌های دیجیتال برای همگان دهشتناک باشد و به‌راحتی بتواند حقوق افراد را نقض کند و به‌ویژه برای حقوق کودکان، آسیب و تهدیدی جدی باشد. این ادعا، گرچه «یکسره

1. infosphere

نادرست» نیست آن را «کاملاً درست» هم نمی‌توان تلقی کرد. واقع آنچه که بدون تردید درباره فضا یا اتمسفر رسانه‌های دیجیتال درست است، ویژگی «تکثر و پیچیدگی پیام» و نیز «درهم‌تنیدگی پیام و حامل» است، اما اینکه آیا رسانه‌های دیجیتال، فی‌نفسه ناقض حقوق کودک هستند یا نه، پاسخ ساده‌ای ندارد.

حقوق کودک در عرصه جهانی در قالب اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی همچون اعلامیه ۱۹۲۴ حقوق کودک و موادی از اعلامیه جهانی ۱۹۴۸ حقوق بشر و نیز اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است، اما مهم‌ترین «توافق‌نامه» بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، «کنوانسیون (یا پیمان‌نامه) ۱۹۸۹ حقوق کودک»^۱ است. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۲ به عضویت این پیمان درآمده است و وزارت دادگستری به‌عنوان مرجع ملی کنوانسیون در کشور شناخته می‌شود.^۲ طی دو سه دهه گذشته تلاش‌هایی در کشور صورت گرفته است تا مفاد کنوانسیون مزبور با ملاحظه شرع و قوانین کشور به اجرا دربیاید؛ زیرا مطابق ماده ۹ قانون مدنی، مفاد این پیمان در حکم قانون داخلی ایران است (یونیسف ایران، ۱۴۰۰)، درعین حال، کوشش‌های زیادی نیز برای تدوین یک سند بومی در خصوص حقوق کودک صرف شد که درنهایت به تصویب «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» در سال ۱۳۹۷ و ابلاغ آن در سال ۱۴۰۰ انجامید. ماده ۱۳ «سند ملی»، این سند را به‌عنوان «مبنای معرفی و تبیین جایگاه حقوق کودک و نوجوان در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی» اعلام می‌کند و تصریح دارد: «مفاد مرتبط با کودکان و نوجوانان در معاهده‌های بین‌المللی، صرفاً در خصوص این سند قابل اجراست و قوانین و برنامه‌های مغایر باید اصلاح شود».^۳

1. United Nations Convention on the Rights of the Child (1989)

۲. تا سال ۱۳۸۸، وزارت امور خارجه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در کشور بود.
۳. اسناد مورد اشاره در اینجا نه تنها مستقیماً به حقوق کودک مرتبطند، بلکه از جهت راهبردی و اصول کلان، در سطح بالایی قرار دارند، اما حقوق و قوانین کودک، منحصر در این چند سند نیست و به‌عنوان مثال می‌توان به قانون ۱۳۸۸ جرایم رایانه‌ای (و مواد مرتبط با کودک در آن) (مجلس، ۱۳۸۸)، یا قانون ۱۳۹۹ حمایت از اطفال و نوجوانان (مجلس، ۱۳۹۹)، و نیز سند ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی برای صیانت از حقوق کودک و نوجوان (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۹) نیز اشاره کرد. رک به: (صفاری‌نیا، ۱۴۰۱).

در خصوص حقوق کودک در رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی با توجه به اسناد و قوانین ملی و بین‌المللی، مطالعات بومی متعددی انجام شده است که در این زمینه می‌توان به کارهای صفاری‌نیا (صفاری‌نیا، ۱۴۰۱)، مظلوم‌زاده و همکاران (مظلوم‌زاده؛ جمال‌زاده و شهابی، ۱۴۰۰)، پورمسجدیان و همکاران (پورمسجدیان و ابراهیمی، ۱۳۹۹؛ شجاع سنگچولی، ۱۳۹۹)، حسینی (حسینی، ۱۳۹۸) و ... اشاره کرد. پرسشی که نوعاً در این پژوهش‌ها پیگیری می‌شود این است که اگر رسانه‌های دیجیتال، حقوق کودک را مورد تهدید یا تعرض قرار می‌دهند؛ بنابراین آیا بر اساس اسناد ملی و بین‌المللی مزبور، کودک از حق دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و استفاده از آن‌ها برخوردار است؟ و در این صورت، آیا کودک از حق بر حمایت‌شدن و محافظت از آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال برخوردار است؟ چنانکه خواهیم دید پاسخ هر دو پرسش مزبور مثبت است، اما این سؤال‌ها که در بخش اول مقاله به آن‌ها خواهیم پرداخت، مسائل محوری نیستند، به‌ویژه اینکه در خصوص شناسایی نقش و مسئولیت متمایز (اگر نگویم انحصاری) دولت در قبال حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال مناقشه‌چندانی وجود ندارد. مسئله اصلی در مقاله این است که در قبال حق کودک بر حمایت‌شدن و محافظت از آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال، مسئولیت بر عهده کدام کنش‌گر^۱ است؟

در بخش اول مقاله نشان می‌دهیم که هر دو حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و حق کودک بر حمایت‌شدن در رسانه‌های دیجیتال، هم بر اساس «کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک» و هم بر مبنای «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» قابل استنباط است. سپس در بخش دوم مقاله بر اساس مفهوم «مسئولیت توزیع‌شده» خواهیم پرداخت.

۱- رسانه‌های دیجیتال و حقوق کودک

حقوق کودک در رسانه‌های دیجیتال را از دو منظر می‌توان بحث و بررسی کرد. اول اینکه کودکان چه حقوقی بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و استفاده از آن‌ها دارند؟ (منظر ایجابی)؛ دوم اینکه کودکان در هنگام استفاده از رسانه‌های دیجیتال، نسبت به

1. agent

آسیب‌های این رسانه‌ها چه حقوقی بر حمایت‌شدن و محافظت (یا صیانت) دارند؟ (منظر سلبی). در اینجا حق دسترسی آزاد، به نوعی در تعارض با حق حفظ حریم خصوصی و سلامت شخصی قرار می‌گیرد. به عبارتی هرچه گستره حق کودک از منظر اول بیشتر باشد، گستره حق از منظر دوم محدودتر خواهد بود (و بالعکس).
مبانی یا خطوط کلی دو جنبه مزبور ایجابی و سلبی حقوق کودک در رسانه‌های دیجیتال را می‌توان از دو سند «کنوانسیون حقوق کودک» و «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» استنباط کرد.

۱-۱- کنوانسیون حقوق کودک

حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال، از بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک قابل استنباط است: «کودک باید حق آزادی بیان داشته باشد. حق مذکور شامل آزادی جستجو، دریافت و ارائه اطلاعات و عقاید از هر گونه است، بدون توجه به مرزها، به طور شفاهی، کتبی، چاپ شده، یا به شکل آثار هنری، و یا از طریق هر رسانه‌ای که کودک انتخاب کند» (یونیسف ایران، ۱۴۰۰، ص ۱۸). همچنین در ماده ۱۷ آمده است: «کشورهای عضو به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و تضمین خواهند کرد که کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی دسترسی داشته باشد، به ویژه اطلاعات و مطالبی که هدف آنها ترویج رفاه اجتماعی، معنوی و اخلاقی و بهداشت جسمی و روانی کودک است» (یونیسف ایران، ۱۴۰۰، ص ۲۰).

اما حق کودک بر محافظت در رسانه‌های دیجیتال، از بند ۲ همان ماده ۱۳، قابل برداشت است: «اعمال حق مذکور [در بند ۱: آزادی بیان] ممکن است منوط به برخی محدودیت‌ها باشد، لیکن این محدودیت‌ها باید تنها منحصر به مواردی باشد که در قانون تصریح شده و به یکی از دلایل زیر ضروری است: الف) برای رعایت حقوق و آبروی دیگران؛ ب) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت عمومی یا اخلاق عمومی» (یونیسف ایران، ۱۴۰۰، ص ۱۸). از موارد این بند، می‌توان گفت آنچه که مستقیماً به حق «خود کودک» بر محافظت و حمایت او در استفاده از رسانه‌های دیجیتال مربوط می‌شود، قید

«بهداشت و اخلاق عمومی» است. در ماده ۳۴ کنوانسیون نیز آمده است: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند از کودک در برابر کلیه اشکال بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی حمایت کنند. بدین منظور، کشورهای عضو به‌ویژه کلیه اقدام‌های مقتضی ملی، دوجانبه و چندجانبه را به عمل خواهند آورد تا از موارد زیر جلوگیری شود: الف) اغوا یا وادار کردن کودک به پرداختن به هرگونه فعالیت جنسی غیرقانونی؛ ب) استفاده استثمارگرانه از کودکان در فحشا یا دیگر اعمال جنسی غیرقانونی؛ ج) استفاده استثمارگرانه از کودکان در نمایش‌ها یا مطالب هرزه‌نگاری (پورنوگرافیک)» (یونیسف/ایران، ۱۴۰۰، ص. ۳۳). صراحت این ماده در حق کودک بر محافظت به‌گونه‌ای است که نیاز به توضیح ندارد. البته ماده ۱۹ نیز به‌طور غیرمستقیم به حق کودک بر محافظت در رسانه‌های دیجیتال مربوط است؛ زیرا «کلیه اشکال خشونت» را مورد اشاره قرار داده است: «کشورهای عضو کلیه اقدام‌های قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوءرفتار یا بهره‌کشی، از جمله سوءاستفاده جنسی، در حین مراقبت توسط والد (یا والدین)، سرپرست (یا سرپرستان) قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند» (یونیسف/ایران، ۱۴۰۰، ص. ۲۱).

۲-۱- سند ملی حقوق کودک و نوجوان

حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال، در بند ۳ از ماده ۸ آمده است: «کودک و نوجوان حق دسترسی به اطلاعات، به‌ویژه اطلاعات مربوط به سلامت جسمی، روانی و رشد اخلاقی و معنوی متناسب با سطح درک خویش را دارد...» و در این راستا به چند وظیفه دولت اشاره می‌کند از جمله در زیربند (الف): «حمایت از تولید محصولات علمی و فرهنگی برای آنها یا مرتبط با آنان به‌ویژه در رسانه‌های جمعی...» (مجلس، ۱۴۰۰).

اما حق کودک بر حمایت‌شدن و محافظت در رسانه‌های دیجیتال را می‌توان از زیربند (و) وظایف دولت در بند ۳ همان ماده ۸ استنباط کرد: «حمایت و مراقبت از کودکان و نوجوانان در برابر اطلاعات، محصولات و آثار مضر به سلامت جسمی، روانی، اخلاقی

یا معنوی آنان و تهیه راهنمای مناسب در این باره». به علاوه در بند ۱ ماده ۱۱ نیز آمده است: «کودک از بدو تولد در برابر تمام اشکال استثمار و سوءاستفاده مصونیت دارد...» و در زیربند (د) از بند ۲ همین ماده درباره تدابیر لازم برای حمایت از امنیت کودک و نوجوان می‌خوانیم: «پیشگیری و مبارزه با جرائم جنسی علیه کودک یا نوجوان و ارائه آثار مستهجن به او از جمله از طریق فضای مجازی یا استفاده از او برای تهیه، توزیع، فروش و نگهداری این آثار» (مجلس، ۱۴۰۰).

بدین ترتیب در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، کودک از حق دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و استفاده از آن‌ها برخوردار است مشروط به اینکه به سلامت جسمی، روانی و اخلاقی او آسیبی وارد نشود. این ادعای کلی و موجز را گرچه اجمالاً می‌توان از اسناد ملی و بین‌المللی استنباط کرد و چندان مناقشه‌ای در آن نیست، در عین حال این اصل، در خصوص اینکه چگونه می‌توان رسانه/محتوای آسیب‌زا به سلامت کودک را شناسایی و کنترل کرد، سکت است. از طرفی، درباره شناسایی «کنش‌گر مسئول» در قبال حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال (منظر ایجابی) نیز به نظر نمی‌رسد مشکل خاصی وجود داشته باشد؛ زیرا مسئولیت اصلی ایجاد زیرساخت و تأمین دسترسی، بر عهده دولت است و والدین کودک نیز باید هزینه (مالی) دسترسی را فراهم کنند، اما مسئله اصلی عبارت است از شناسایی «کنش‌گر(های) مسئول» در قبال حق کودک بر محافظت از آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال که عملاً به موضوع کنترل رسانه‌های دیجیتال مربوط می‌شود.

۲- مسئولیت توزیع شده

مطابق آنچه که در بخش قبلی مطرح شد، سؤال پیش‌رو این است که در قبال حق کودک بر محافظت در استفاده از رسانه‌های دیجیتال، مسئولیت بر عهده کدام کنش‌گر(ها) قرار دارد؟ در اینجا برای تحلیل و پاسخگویی به این مسئله، می‌توان از مفهوم «مسئولیت اخلاقی توزیع شده»^۱ فلوریدی (Floridi, 2016, 2020) در اخلاق و فلسفه اطلاعات، وام گرفت؛ زیرا مسئولیت حقوقی همسو با مسئولیت اخلاقی است گرچه هر مسئولیت

1. Distributed Moral Responsibility (DMR)

اخلاقی، لزوماً مستلزم یک مسئولیت حقوقی نیست.

ایده مسئولیت اخلاقی توزیع شده فلوریدی مبتنی بر این نکته است که در این عصر اطلاعات، کنش‌ها به صورت «شبکه‌ای» اتفاق می‌افتد و ممکن است کنش‌گران متعدد و مختلفی از انسان تا هوش مصنوعی در رخداد یک نتیجه خاص نقش داشته باشند. قاعدتاً نمی‌توان کنش نتیجه را صرفاً به یک یا چند کنش‌گر خاص در این شبکه منتسب کرد و باید «همه کنش‌گران آن شبکه» را در تحقق آن نتیجه، دخیل و به عبارتی مسئول دانست. این مسئولیت، البته که با مفهوم سنتی مسئولیت تفاوت دارد؛ زیرا برخلاف معنای متداول مسئولیت که مستلزم آگاهی و قصد است، در کنش شبکه‌ای این‌گونه نیست که هر یک از کنش‌گران، از قبل نسبت به نتیجه نهایی کنش خود در شبکه، آگاهی و قصد یا التفات^۱ داشته باشد، اما به هر حال آنچه مهم است و روی افراد یا محیط متأثر از کنش، اثر می‌گذارد «خود کنش حاصل از شبکه» است؛ بنابراین فلوریدی معتقد است در اینجا «مسئول بودن» مبدأ کنش، به جای اینکه وابسته به خود مبدأ (یا فرستنده کنش) باشد وابسته به مقصد (یا گیرنده کنش) است. ما در یک کنش شبکه‌ای که منجر به آسیب به دیگران یا محیط زیست و ... است مسئولیت داریم گرچه آن آسیب را قصد نکرده باشیم و حتی نسبت به آن، آگاهی مستقیم نداشته باشیم.

البته جزئیات و استدلال‌های نظریه فلوریدی و بحث‌های حول این نظریه در حوصله و رسالت این مقاله نیست، ولی اصل ایده «مسئولیت توزیع شده» در کنار نگاه سیستمی به رسانه‌های دیجیتال الهام‌بخش است. رویکرد سیستم‌های فنی-اجتماعی، که در بخش بعد به آن می‌پردازیم، حاصل آموزه‌ها و بصیرت‌هایی است که امروزه از فلسفه تحلیلی فناوری و نیز مطالعات اجتماعی فناوری در دست داریم.

۳- مسئولیت توزیع شده در سیستم فنی-اجتماعی

در حوزه مطالعات فلسفی-اجتماعی فناوری، نظریه‌های مختلفی در باب عاملیت فناوری و اجتماع و تعامل آن دو مطرح است؛ از جبرگرایی فناورانه^۲ تا برساخت‌گرایی اجتماعی^۱ و

1. intention

2. Technological determinism

نظریه‌های سیستمی و ... (شکل ۱) که می‌توان نشان داد بهترین نحو از تحلیل این تعامل، در رویکرد سیستم‌های فنی-اجتماعی (Vermaas, Kroes, van de Poel, Franssen, & Houkes, 2011) بیان شده است. مطابق این رویکرد، فناوری‌ها را (غیر از فناوری‌های خیلی ساده و تک کاربره) باید به‌مثابه سیستم‌های هیبریدی یا دورگه‌ای در نظر گرفت که دارای یک مؤلفه فنی و یک مؤلفه انسانی-اجتماعی هستند. مؤلفه فنی، تابع قوانین علوم طبیعی و مهندسی است و بر آن اساس طراحی می‌شود، اما مؤلفه انسانی-اجتماعی تابع قوانین علوم انسانی-اجتماعی است. نکته مهم در این رویکرد، درهم‌تنیدگی دو مؤلفه فنی و اجتماعی در یک سیستم است؛ بنابراین طراحی فناوری‌ها، اصولاً طراحی یک سیستم یکپارچه فنی-اجتماعی است و مستلزم بهره‌گیری از هر دو دانش فنی-مهندسی و انسانی-اجتماعی است.



شکل ۱. شماتیک نظریه‌های عاملیت فناوری و اجتماع

بر اساس چنین رویکردی، رسانه‌های دیجیتال را باید مجموع تمام مؤلفه‌های فنی-مهندسی (شامل ابزارها و فناوری‌های سخت مثل گوشی همراه، رایانه، تلویزیون، قطعات الکترونیکی، تجهیزات مخابراتی و ماهواره‌ای، زیرساخت‌های نرم‌افزاری، و ...) و نیز

مؤلفه‌های انسانی-اجتماعی (شامل تولیدکنندگان محتوا، مدیران، والدین، مربیان، کودکان، گروه‌های اجتماعی، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، محتوا و ...) تلقی کرد. رویکرد سیستم‌های فنی-اجتماعی به رسانه‌های دیجیتال، در کنار ایده مسئولیت توزیع‌شده فلوریدی در «کنش‌های شبکه‌ای»، متضمن این نتیجه مهم و اساسی است که «مسئولیت در قبال حق کودک» بر حمایت‌شدن و محافظت از آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال، بر عهده همه کنش‌گران (شامل هم انسان و هم فناوری) است و ارزیابی یا راستی‌آزمایی ایفای مسئولیت، به تعبیر فلوریدی بر اساس مقصد (گیرنده کنش) خواهد بود.

این رویکرد، هنگامی که قرار است در موارد عملی به‌کار گرفته شود باید مقید به کنش‌گرانی با نقش‌های معین محدود شود. در بخش بعدی نشان خواهیم داد که چگونه در یک مورد واقعی از رسانه‌های دیجیتال، بر اساس همین رویکرد، که آن را رویکرد مختار مقاله می‌نامیم، می‌توان برآورده کردن حق کودک بر محافظت از آسیب رسانه‌های دیجیتال را توضیح داد.

۴- حق کودک بر محافظت از آسیب: کاربرد رویکرد مختار

فالکوئیست و فان‌درپول (استاد اخلاق و فلسفه فناوری در دانشگاه دلفت) (Fahlquist & Van de Poel, 2012) در مقاله‌ای که به بررسی رابطه فناوری با مسئولیت والدین می‌پردازد، تراشه ضدخشونت (وی‌چیپ)^۱ در سیستم کنترل برنامه‌های تلویزیونی آمریکا را موردکاوی کرده‌اند. ما در اینجا فارغ از هدف مقاله مزبور، صرفاً به جنبه «کنترل محتوا» در یک «رسانه دیجیتال» از طریق سازوکار تراشه وی‌چیپ در یک «سیستم فنی-اجتماعی» می‌پردازیم.

تراشه وی‌چیپ، یک قطعه الکترونیکی است که در تلویزیون‌هایی که در ایالات متحده تولید و فروخته می‌شود، نصب می‌شود (از ۱۹۹۷ به بعد) تا این امکان را به والدین بدهد که هنگام استفاده کودکان از تلویزیون، آن‌ها را در مقابل برنامه‌های نامناسب محافظت کنند. ممکن است در بدو امر چنین به نظر برسد که در اینجا مسئولیت در قبال «حق

1. V-cheap

کودک بر محافظت از آسیب رسانه/محتوای دیجیتال» بر عهده والدین است و آن‌ها ایفاکننده این نقش هستند. ولی سؤالی که بلافاصله قابل طرح است این است که آیا والدین بدون وجود تراشه وی‌چیپ می‌توانستند برنامه‌ها را کنترل و از کودک محافظت کنند. پاسخ قطعاً منفی است؛ زیرا این تراشه دیجیتال است که امکان تنظیم برنامه‌های مناسب کودک و قفل برنامه‌های نامناسب را برای والدین فراهم می‌کند.

اما آیا می‌توان گفت: بنابراین «تراشه وی‌چیپ+والدین» مسئولیت مزبور در قبال حق کودک را ایفا می‌کنند؟ باز هم پاسخ منفی است؛ زیرا عملکرد تراشه وی‌چیپ، وابسته به اطلاعات رده‌بندی سنی است که فرستنده برنامه تلویزیونی روی برنامه ارسال کرده است. اگر او اطلاعات را ارسال نکند یا نادرست دسته‌بندی و ارسال کند، «وی‌چیپ+والدین» موفق به ایفای مسئولیت محافظت از کودک در برابر آسیب رسانه/محتوا نخواهند شد، اما همچنان نمی‌توان گفت که «تراشه وی‌چیپ+والدین+فرستنده» مسئولیت مزبور را ایفا می‌کنند؛ زیرا فرستنده رده‌بندی سنی را که روی برنامه ارسال می‌کند، بر اساس معیارهایی انجام می‌دهد که کمیته اخلاق تعیین کرده است و ... بنابراین در این مثال مشخص می‌بینیم که رویکرد نظری مختار، در عمل چگونه می‌تواند پیچیدگی‌های ایفای مسئولیت در قبال حق کودک بر محافظت از آسیب رسانه‌های دیجیتال را توضیح دهد، ضمن اینکه دستاوردهایی برای ملاحظه جنبه‌های مختلف در طراحی ارزش‌بار سیستم فنی-اجتماعی برای ایفای مسئولیت مزبور نیز کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی مبانی حق کودک بر دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و حق کودک بر محافظت از آسیب رسانه‌های دیجیتال، با استفاده از مفهوم مسئولیت توزیع‌شده در کنش‌های شبکه‌ای و نیز رویکرد سیستم‌های فنی-اجتماعی، نشان دادیم که «مسئولیت در قبال حق کودک بر محافظت از آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال»، بر عهده همه کنش‌گران شبکه‌ای در یک رسانه دیجیتال است که ارزیابی ایفای این مسئولیت نیز وابسته به کنش نتیجه و شرایط گیرنده کنش (کودک) خواهد بود. درنهایت نیز دستاورد

این رویکرد را نشان دادیم که چگونه سازوکار کنترل برنامه‌های تلویزیونی نامناسب کودک، توسط والدین با استفاده از سیستم رده‌بندی سنی و تراشه وی‌چیپ تلویزیون، و اهمیت جنبه‌های انسانی-اجتماعی، فرهنگی درهم‌تنیده در جنبه‌های فنی آن را توضیح می‌دهد و برای طراحی سیستم‌های مشابه، الهام‌بخش است.

منابع و مآخذ

پورمسجدیان، فاطمه و ابراهیمی، نصرالله (۱۳۹۹)، واکاوی حقوقی حمایت از حریم خصوصی کودک در فضای مجازی با نگاهی به قوانین ایران و معاهدات بین‌المللی، *مطالعات زن و خانواده*، ۸(۴)، صص. ۸۲-۱۰۲.

حسینی، محمدرضا (۱۳۹۸)، مسئولیت دولت‌ها و سازوکارهای صیانت از حقوق کودک در فضای مجازی، *حقوق کودک*، ۴(۱)، صص. ۳۳-۵۹.

شجاع‌سنگچولی، مهرویه (۱۳۹۹)، حق حریم خصوصی کودکان در حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون حقوق کودک، *حقوق و مطالعات نوین*، ۱۱(۱)، صص. ۶۱-۷۷.

شورای عالی فضای مجازی (۱۳۹۹)، *سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی*؛

<https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=25384>

صفاری‌نیا، مهزاد (۱۴۰۱)، حق دسترسی کودکان به فضای مجازی از منظر حقوق داخلی و بین‌الملل، *حقوق فناوری‌های نوین*، ۳(۵)، صص. ۱۸۳-۱۹۶.

مجلس (۱۳۸۸)، *قانون جرائم رایانه‌ای*؛

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/135717>

مجلس (۱۳۹۹)، *قانون حمایت از اطفال و نوجوانان*؛

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1554444>

مجلس (۱۴۰۰)، *سند ملی حقوق کودک و نوجوان*؛

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1675329>

مظلوم‌زاده، آمنه؛ جمال‌زاده، عبدالرضا و شهابی، رقیه (۱۴۰۰)، اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال، *فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی*، ۳(شماره ویژه،

ویژه‌نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰)، صص. ۳۵-۵۶.

یونیسف ایران (۱۴۰۰)، پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک به همراه سه پروتکل الحاقی:

صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران و مرجع ملی پیمان‌نامه حقوق کودک.

Fahlquist, J. N., & Van de Poel, I. (2012), Technology and parental responsibility: the case of the V-chip, *Science and engineering ethics*, 18, 285-300 .

Floridi, L. (2006), Information technologies and the tragedy of the good will, *Ethics and Information Technology*, 8(4), 253-262 .

Floridi, L. (2016), Faultless responsibility: On the nature and allocation of moral responsibility for distributed moral actions. *Philosophical Transactions of the Royal Society A: Mathematical, Physical and Engineering Sciences*, 374(2083), 20160112.

Floridi, L. (2020), Distributed morality in an information society *The Ethics of Information Technologies*, (pp. 63-79): Routledge.

Vermaas, P., Kroes, P., van de Poel, I., Franssen, M., & Houkes, W. (2011), A philosophy of technology: from technical artefacts to sociotechnical systems, *Synthesis Lectures on Engineers, Technology, and Society*, Morgan & Claypool Publishers.